



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

پیشینه نوروز-بخش دوم

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۸ اسفند ۱۳۹۲ - ۱۶ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

نوروز سفره هفت سین در برخی از نوشته ها از سفره هفت سین (هفت روییدنی که با حرف شین آغاز می شود) سخن رفته و آن را رسمی کهن تر دانسته اند. در ریشه یابی واژه هفت سین نظریات دیگری چون هفت چین (هفت روییدنی از کشتزار چیده شده) و هفت سینی از فراورده های کشاورزی نیز بیان شده است. پراکندگی نظرها ممکن است به این سبب باشد که در کتاب های تاریخی و ادبی کهن اشاره ای به هفت سین نشده و از دوره قاجاریه است که درباره باورها و رفتارها و رسم های عامیانه مردم تحقیق و بحث و اظهار نظر آغاز شده است. نمی دانیم که



نوروز

سفره هفت سین

در برخی از نوشته ها از سفره هفت سین (هفت روییدنی که با حرف شین آغاز می شود) سخن رفته و آن را رسمی کهن تر دانسته اند. در ریشه یابی واژه هفت سین نظرهای دیگری چون هفت چین (هفت روییدنی از کشتزار چیده شده) و هفت سینی از فراورده های کشاورزی نیز بیان شده است. پراکندگی نظرها ممکن است به این سبب باشد که در کتاب های تاریخی و ادبی کهن اشاره ای به هفت سین نشده و از دوره قاجاریه است که درباره باورها و رفتارها و رسم های عامیانه مردم تحقیق و بحث و اظهار نظر آغاز شده است. نمی دانیم که آیا پیش از قآنی هم شاعری هفت سین را در شعر خود آورده است؟

سین ساغر بس بود ما را در این نوروز روز گو نباشد هفت سین رندان دُرد آشام را

میرزاده عشقی نیز در " نوروزی نامه " در اسلامبول در مسمطی برای آگاهی مردم آن دیار سروده :

همه ایرانیان نوروز را از یاد بود کی

بیا سازند از مازندران تا شوش و ملک ری

بساط هفت سین چینند و بنشینند دور وی

...

پوشیدن لباس نو پوشیدن لباس نو در آیین های نوروزی، رسمی همگانی است. تهیه لباس، برای سال تحویل، فقیر و غنی را به خود مشغول می دارد. در جامعه سنتی توجه به تهیدستان و زیردستان برای تهیه لباس نوروزی - به

ویژه برای کودکان - رسمی در حد الزام بود. خلعت دادن پادشاهان و امیران در جشن نوروز، برای نو پوشاندن کارگزاران و زیر دستان بود. ابوریحان بیرونی می نویسد: "رسم ملوک خراسان این است که در این موسم به سپاهیان خود لباس بهاری و تابستانی می دهند". مورخان و شاعران از خلعت بخشیدن های نوروزی فراوان یاد کرده اند. و برای این باور است که در وقف نامه حاجی شفیع ابریشمی زنجانی آمده است: هر سال شب های عید نوروز پنجاه دست لباس دخترانه و پنجاه دست لباس پسرانه، همراه کفش و جوراب از عواید موقوفه تهیه و به اطفال یتیم تحویل شود.

سفرنامه نویسان دوره صفویه و قاجاریه، در شرح و وصف جشن های نوروزی، از لباس های فاخر مردم فراوان یاد کرده اند. خرید لباس نو و برخی وسیله های فرسوده ای که به مناسبت نوروز نیاز به "نو" ساختن دارد، رقم عمده هزینه های فصلی - و گاه سالانه - خانواده ها را تشکیل می دهد. بسیاری از خانواده ها که در سوگ یکی از نزدیکان لباس سیاه پوشیده اند، به مناسبت نوروز، به ویژه هنگام سال تحویل، لباسی دیگر می پوشند. کسانی که به هر علت لباس نو ندارند، می کوشند هر قدر هم اندک - جوراب، پیراهن - در هنگام سال تحویل، نو بپوشند.

در گذشته که فروشگاه ها و بازارهای فروش لباس دوخته نبود و مردم دوختن لباس خود را به خیاط ها سفارش می دادند، نوبت های دوخت و کار شبانه روزی خیاطان یکی از دشواری های خانواده ها بود. اگر در روزهای پیش از نوروز، در خانواده ها، محله ها، مدرسه ها و سازمان های نیکوکاری رسم است که برای کودکان نیازمند لباس تهیه کنند، این کار نیک پیش از آنکه برای کمک و همراهی باشد، برای لباس نو پوشاندن به کودکان در جشن نوروز است.

این باور کهن را در نوشته ها، توصیه ها و توصیف های نوروزی، همواره می بینیم که: از طبیعت پیروی کنیم، از درختان یاد بگیریم و با آمدن بهار، لباس نو بپوشیم، که شگون شادمانی و آرامش است.

خوراک های نوروزی

هفت سین

در کتاب ها و سند های تاریخی و ادبی کهن، به ندرت از خوراکی هایی که ویژه جشن نوروز (یا جشن های دیگر) باشد سخن رفته است. نویسندگان و مورخان بحث از "خوردنی" ها را، شاید، پیش پا افتاده، نازیبا و یا بدیهی می دانستند. در کتاب های قرن چهارم به بعد، شرح و وصف های دقیق، به شعر و نثر، درباره نوروز و مهرگان و جشن ها و آیین های دیگر کم نیست، ولی از نوع و ویژگی خوراک های جشن ها، نه در دستگاه پادشاهان و امیران و نه در خانه های عامه مردم، سخنی نرفته است.

در مقاله ها و پژوهش هایی که در این هفتاد و پنج ساله اخیر درباره نوروز نوشته شده، افزون بر خوردنی های سفره هفت سین، گاه از غذاهای ویژه شب پیش از نوروز، و شب اول سال، در خانواده های سنتی شهرها و منطقه های مختلف یاد شده است. خوراکی هایی که با ویژگی های اقلیمی و نوع فراورده های هر منطقه هماهنگی داشت، و در عین حال بهترین و کمیاب ترین غذای منطقه بود؛ و همه قشرهای اجتماعی - فقیران نیز - میکوشند که در این روزها، برای فراهم آوردن غذای بهتر، گشاده دستی کنند و به گفته ابوریحان: "این عیدها، یکی از اسبابی است که

تنگی روزی فقیران را به زندگی فراخ مبدل می سازد .

امروز در تهران و برخی شهرهای مرکزی ایران، سبزی پلو ماهی خوردن در شب نوروز و رشته پلو در روز نوروز رسم است، و شاید بتوان گفت که غذای خاص نوروز در این منطقه است. " پلو " در شهرهای مرکزی و کویری ایران (می توان گفت غیر از گیلان و مازندران در همه شهرهای ایران) تا چندی پیش غذای جشن ها، غذای مهمانی و نشانه رفاه و ثروتمندی بود. و این " بهترین " غذا، خوراک خاص همه مردم - فقیر و غنی - در شب نوروز بود. اگر نیک مردی در صد و پنج سال پیش در استرک کاشان، ملکی را وقف می کند که از درآمد آن " همه ساله برنج ابداع نموده از آخر خمرسه مسترقه به تمام اهالی استرک، وضیع و شریف، ذکور و اناث، صغیر و کبیر، بالسویه برسانند "، بی گمان به این نیت بوده، که در شب نوروز سفره هیچ کس بی " پلو " نباشد.

با پیدایش و گسترش رسانه های گروهی صنعتی امروز چون روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، و وجود برنامه های گونه گون در معرفی جشن ها و آیین های کهن، نوعی یکنواختی در فراهم آوردن وسیله ها و برگزاری مراسم، در همه شهرها و استان ها به وجود آمده است. بی گمان تبلیغات مؤسسه های تولید کننده کالاها نیز عاملی موثر در این یکنواختی هاست.

دید و بازدید نوروزی، یا عید دیدنی از جمله آیین های نوروزی، دید و بازدید، یا " عید دیدنی " است. رسم است که روز نوروز، نخست به دیدن بزرگان فامیل، طایفه و شخصیت های علمی و اجتماعی و منزلتی می روند. در بسیاری از این عید دیدنی ها، همه کسان خانواده شرکت دارند. کتاب های تاریخی و ادبی، تنها از عید دیدنی های رسمی درباره و امیران و رؤسایان خبر می دهند. رسمی که هنوز هم خبرگزاری ها و رسانه ها، به آن بسنده می کنند. " دیدن " های نوروزی که ناگزیر " بازدید " ها را دنبال دارد، و همراه با دست بوسی و روبوسی است، در روزهای نخست فروردین، که تعطیل رسمی است، و گاه تا سیزده فروردین (و می گویند تا آخر فروردین) بین خویشاوندان و دوستان و آشنایان دور و نزدیک، ادامه دارد. رفت و آمد گروهی خانواده ها، در کوی و محله - به ویژه در شهرهای کوچک - هنوز از میان نرفته است. این دید و بازدیدها، تا پاسی از شب گذشته، به ویژه برای کسانی که نمی توانند کار روزانه را تعطیل کنند، ادامه دارد.

تا زمانی که "مسافرت های نوروزی" رسم نشده بود، در شهرها و محله هایی که آشنایی های شغلی و همسایگی و روابط چهره به چهره " جایی داشت، دید و بازدید های نوروزی، وظیفه ای بیش و کم الزامی به شمار می رفت. و چه بسا آشنایانی بودند - و هستند - که فقط سالی یک بار، آن هم در دید و بازدید های نوروزی، به خانه یکدیگر می روند. به یاد دارم که در کرمان، در بین زردشتیان، هنگامی که کسی از دوست و آشنایش گله می کرد که چرا بدیدنش نمی آید، این جمله می گفت : " اگر با هم قهر هم بودیم، دست کم سالی یک بار به خانه هم می آمیم " و چه بسیار کدورت ها و رنجش های خانوادگی و خویشاوندی که به یمن دید و بازدید های نوروزی برطرف شده و می شود.

گسترش شهرها، ازدیاد جمعیت، پراکندگی خانواده های سنتی، محدودیت های شغلی و نیز فرهنگ آپارتمان نشینی، از عامل هایی است که دید و بازدید های نوروزی را کاهش داد. و بر اثر این دشواری ها و محدودیت های زمانی، بسیاری از خانواده هایی هم که به مسافرت نمی روند، برای دید و بازدیدهای نوروزی، از پیش زمانی را معین

می کنند.

کتاب تذکره صفویه کرمان که گزارشی از رویدادهای سال های 1063 تا 1104 است، "شرح وقایع" هر سال را، با این که محاسبه ماه و سال بر اساس تقویم قمری است، از برگزاری جشن ها، رسم ها، و آیین های نوروزی، در دستگاه حکومتی آغاز می کند، از جمله : حاکم و وزیر و آصف حمیده سیر، در نوروز آن سال (1080 قمری) که مصادف با 15 شوال بود، در باغ نظر به عیش و خرمی گذرانده، علما و صلحا و شعرا را به صلات گرانمایه خرسند گردانید (...) و دستار خواهان گسترده، اقسام طعام نزد خاص و عام کشید. روز دیگر به دیدن اعزه ولایت رفته، دو سه روز هم چنین دیدن مردم می نمودند، و بعد از آن هر روزه به ازاء ضیافت نوروزی، هنگامه تیر اندازی گرم بود. تماشای "جنگ گاو و قوچ" نیز در این دوره از آیین های نوروزی بود : روز نوروز سال 1101 که در 7 جمادی الثانی واقع بود، طرف عصر وزیر به اتفاق (...) در صحرای مؤیدی (در قسمت شمال شهر فعلی کرمان) جنگ گاو و قوچ طرح انداخته، بعد از آن اسب دوانی کرده، از حضور دوستان جنایی خرمی، و به مقتضای وقت کامرانی می نمودند.

نوروز اول در دید و بازدیدهای نوروزی رسم است که نخست به خانه کسانی بروند که "نوروز اول" در گذشت عضوی از آن خانواده است. خانواده های سوگوار افزون بر سومین، هفتمین و چهلمین روز، که بیشتر در مسجد برگزار می شود، نخستین نوروز که ممکن است بیش از یازده ماه از مرگ متوفا بگذرد، در خانه می نشینند. و در این روز است که خانواده های خویشاوند لباس سیاه را از تن سوگواران در می آورند. جلسه های "نوروز اول" که جنبه نمادین دارد، در عین حال از فضایی دید و بازدیدهای نوروزی برخوردار است. و دیدارکنندگان، در نوروز اول، به خانواده سوگوار تسلیت نمی گویند، بلکه برای آنان "آرزوی شادمانی" می کنند، تا در آغاز سال نو فال بد نزنند. رسم نوروز اول بیشتر در شهرهایی برگزار میشود که آخرین روز اسفند را به عنوان یاد بود درگذشتگان سال سوگواری نکنند.

هدیه نوروزی، یا عیدی هدیه و عیدی دادن به مناسبت نوروز رسمی کهن است، کتابهای تاریخی از پیشکش ها و بخشش های نوروزی - پیش از اسلام و بعد از اسلام - خبر می دهند، از رعیت به پادشاهان حکمرانان، از پادشاهان و حکمرانان به وزیران، دبیران، کارگزاران و شاعران، از بزرگتران خاندان به کوچکتران، به ویژه کودکان.

رسم هدیه دادن نوروزی را، ابوریحان بیرونی از گفته آذرباد، موبد بغداد چنین آورده : نیشکر در ایران، روز نوروز یافت شد، پیش از آن کسی آن را نمی شناخت. جمشید روزی نی ای دید که از آن کمی به بیرون تراوش کرده، چون دید شیرین است، امر کرد این نی را بیرون آورند و از آن شکر ساختند. و مردم از راه تبریک به یکدیگر شکر هدیه کردند، و در مهرگان نیز تکرار کردند، و هدیه دادن رسم شد.

پیشکشی رعیت (تاجر، صنعتگر، کشاورز) و حاکمان ولایت، به پادشاهان و خلفا، در واقع بخشی از باج و خراج و مالیات سالانه بود که - گفته یا نگفته - به آن متعهد بودند. و "خزانه" کشور از آن آبادان بود. ابوریحان بیرونی می نویسد : پادشاهان ساسانی آنچه را که پنج روز عید (به ترتیب؛ اعیان، دهقانان، سپاهیان، خالصان و خادمان) هدیه آورده بودند، روز ششم امر به احضار می کرد و هر چه قابل خزانه بود نگه می داشت، و آنچه می خواست به اهل انس و اشخاص که سزاوار خلوتند می بخشید.

کمپر، سیاح دوره صفوی، از هدیه های حاکمان و ثروتمندان محلی، که برای شاه سلیمان می آوردند، به عنوان "

سومین رقم بودجه دربار " یاد می کند. تاورنیه هدیه یکی از حاکمان را به پادشاه " ده هزار اشرافی " ذکر کرده، و شاردن هدیه های به پادشاه را حدود 2 میلیون فرانک تخمین میزند. " درو ویل " می نویسد: این هدیه های نوروزی علاوه بر طلا، جواهر و سکه های زر، عبارت از اسب های اصیل، جنگ افزار، پارچه های گران بها و شال های کشمیر و پوست های ممتاز و قند و قهوه و چای و مربا است.

در کتابهای تاریخی و ادبی، بیش از همه از هدیه پادشاهان به شاعران سخن رفته، هدیه ای که، بنا بر رسم، برای سرودن قصیده ها و مدیحه های نوروزی داده می شد. هدیه به شاعران در جشن نوروز که انگیزه و وسیله ای برای سرودن شعر و مدیحه بود، در واقع نوعی حقوق ماهانه و سالانه شاعر به شمار می رفت. از جمله بیهقی می نویسد: روز پنج شنبه هجدهم ماه جمادی الاخری، امیر (سلطان مسعود) به جشن نوروز به نشست، و هدیه ها بسیار آورده بودند، و تکلیف بسیار رفت و شعر شنود از شاعران که شادکام بود، در این روزگار زمستان و فارغ دل، و فترتی نیفتاد و خلعت فرمود، و مطربان را نیز فرمود، و مسعودی شاعر را شفاعت کردند، سیصد دینار فرمود.

این بخشش ها گاه به اندازه ای بود که می توانست شاعری را توانگر سازد: گویند روز نوروزی، جهت خالدبن برمک وزیر، کاسه ها از زر و نقره هدیه آورده بودند. یکی از شاعران عرب در این باره شعری سرود و به این موضوع اشاره کرد. خالد هر چه در آن مجلس اوانی زر و نقره بود به آن شاعر بخشید. چون اعتبار کردند، مالی عظیم بود و شاعر از آن توانگر شد.

رسم و ضابطه پیشکش های سنگین بها به پادشاهان و حاکمان تا دوره مشروطیت رایج بود. برقراری مالیات ها و الزام به پرداخت های منظم و حساب شده، پیشکش های باج و خراج گونه را به مقدار زیادی از اعتبار انداخت. ولی دادن عیدی و هدیه به ویژه از طرف مقام بالا تر (منزلی، اقتصادی و سنی) از رسم ها و آیین های دیرین فرهنگ ماست. امروز رسم عیدی دادن به جوانان و کودکان در خانواده، به کسان کم درآمد و خدمتگزاران در محیط کار، به رفتگر، به نامه رسان و ... در عین حال نوعی جبران زحمت و انتظار خدمت است. عیدی های امروز بیشتر به صورت نقد و اسکناس نو است. بانک ها پیش بینی تهیه " اسکناس نو " کرده، و در اختیار مشتریان می گذارند. در جامعه کشاورزی، روستایی و عشایری، در گذشته ای نه چندان دور، پیشکش های نوروزی فراورده های محلی بود و بخشش ها، کالا و فراورده غیر محلی.

هدیه دادن ها، ک به مناسبت هایی، چون عید، موفقیت، مسافرت، تولد، ازدواج، مرگ (در برخی شهرها، به ویژه جامعه عشیره ای رسم است که برای خانواده متوفا غذا، گوسفند، برنج و ... می برند) و .. است، به ویژه در خانواده های سنتی، دارای اهمیت و مفهومی در خور توجه است (که خود پژوهش و گفتاری جداگانه می طلبد). هر چند که چند سالی است واژه فرانسوی " کادو " برای هدیه هایی چون ره آورد (سوغات)، چشم روشنی، مبارک باد، جای خالی پا و ... به کار می رود، ولی اهمیت، کیفیت و کمیت هر یک متمایز است. البته این باور وجود دارد که گرفتن عیدی از دست کسان مورد احترام (از نظر سنی، منزلتی، خویشاوندی، علمی، نسبی و ...) تبرک، دارای شگون و " دست لا ف " است.

کارت تبریک عید تبریک گفتن عید و جشن نوروز، در نامه هایی که از شهری به شهر دیگر فرستاده می شد، رسمی کهن است. در برخی از منشآت و کتابهای ترسل و نامه نگاری نمونه هایی آمده است، ولی با رواج چاپ، فرستادن "

کارت تبریک عید " که با مضمون ها و رنگهای گونه گون تهیه و در دسترس قرار گرفته، وارد فرهنگ ما شده است. با کم شدن دید و بازدیدها - به علت هایی که در پیش یاد شد - فرستادن کارت تبریک رونق بیشتری یافته است.

چهاردهم فروردین در واقع آغاز کار و فعالیت های " سال نو " از چهاردهم فروردین است. دبستان ها، دبیرستان ها و دانشگاه ها از این روز آغاز می شود. مسافرت رفتن پیش از سیزده را باور عامیانه نحس می داند. کوچ بسیاری از عشایر از چهاردهم فروردین است. تقسیم آب کشاورزی، در برخی از روستاها و بسیاری از فعالیت های دیگر، از چهاردهم فروردین شکل می گیرد.

باورهای عامیانه رفتارها و گفتارهای هنگام سال تحویل و روز نوروز، به باور عامیانه، می تواند اثری خوب یا بد برای تمام روزهای سال داشته باشد. برخی از این باورها را در کتابهای تاریخی نیز می یابیم، و بسیاری دیگر باورهای شفاهی است، و در شمار فولکلور جامعه است که در خانواده ها به ارث رسیده است :

- کسی که در هنگام سال تحویل و روز نوروز لباس نو بپوشد، تمام سال از کارش خرسند خواهد بود.

- موقع سال تحویل از اندوه و غم فرار کنید، تا تمام سال غم و اندوه از شما دور باشد.

- روز نوروز دوا نخورید بد یمن است.

- هر کس در بامداد نوروز، پیش از آنکه سخن گوید، شکر بچشد و با روغن زیتون تن خود را چرب کند، در همه سال از بلاها سالم خواهد ماند.

- هر کس بامداد نوروز، پیش از آنکه سخن گوید، سه مرتبه غسل بچشد و سه پاره موم دود کند از هر دردی شفا یابد.

- کسانی که مرده اند، سالی یکبار، هنگام نوروز، " فروهر " آنها به خانه بر می گردد. پس باید خانه را تمیز، چراغ را روشن و (با سوزاندن کندر و عود) بوی خوش کرد.

- کسی که روز نوروز گریه کند، تا پایان سال اندوه او را رها نمی کند.

- روز نوروز باید یک نفر " خوش قدم " اول وارد خانه شود. زنان خوش قدم نیستند.

- اگر قصد مسافرت دارید پیش از سیزده سفر نکنید. روز چهاردهم سفر کردن خیر است.

- روز سیزده کار کردن نحس است.

برای دیدن بخش اول اینجا کلیک کنید

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «پیشینه نوروز-بخش دوم»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1370/pdf/پیشینه-نوروز-بخش-دوم.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹